



تکذیب اجرای حکم تتلو

مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه شایعات درباره اجرای حکم امیرحسین مقصودلو موسوم به تتلو را رد کرد. دیروز خواهر این خواننده زندانی، با انتشار یک استوری در اینستاگرام مدعی شد که پرونده این خواننده به بخش اجرای احکام ارسال شده است. او در استوری‌های دیگری هم به این موضوع اشاره کرد که به خانواده تتلو گفته شده که سکوت کنند تا در ادامه مشمول عفو شود. با این حال مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه خبر اجرای حکم تتلو را شایعه خواند و اعلام کرد، پرونده فرآیند حقوقی و قضایی خود را طبق قانون طی می کند و هیچ اتفاق جدیدی در جریان رسیدگی به این پرونده رخ نداده و اخبار منتشرشده در خصوص ارسال پرونده به اجرای احکام دادسرا به منظور اجرای حکم، صحت ندارد. پیش‌تر نیز مجیدنقشی، یکی از وکلای تتلو درباره آخرین وضعیت پرونده موکل اش گفته بود، حکم جدیدی صادر نشده و آنها در خواست عفو تتلو را به محاکم قضایی ارائه کرده‌اند که در حال بررسی است.



شکایت ترامپ از وال استریت ژورنال

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا از دو خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال، روبرت مرداک، شخصیت پرنفوذ رسانه‌ای و شرکت‌های داو جونز و نیوز کورپ به اتهام افترا شکایت کرده و خواهان غرامت ۱۰ میلیارد دلاری شده است. این شکایت پس از انتشار گزارشی در وال استریت ژورنال مطرح شد که مدعی است ترامپ در سال ۲۰۰۳ نامه‌ای با محتوای جنسی برای جفری اپستین، میلیاردر معروف ارسال کرده بود. ترامپ این گزارش را جعلی و مغرضانه خوانده و اعلام کرده، پیش‌تر به مرداک هشدار داده بود. این نخستین شکایت حقوقی ترامپ علیه رسانه‌ها در دوره کنونی فعالیت سیاسی اش است، هرچند او پیش‌تر هم دعای مشابهی داشته است. پیش از بازگشت به کاخ سفید نیز دعوای متعددی علیه رسانه‌ها مطرح کرده بود که در اغلب آنها شکست خورد یا با رسانه‌ها به توافق رسید. برخی کارشناسان حقوق رسانه، اعتبار این شکایت را زیر سؤال برده‌اند و هشدار داده‌اند ممکن است ترامپ قدرت‌اش در مقام ریاست جمهوری بر رأی دادگاه‌ها اثر بگذارد.



اولین رمان وودی آلن

وودی آلن، کارگردان، نویسنده و بازیگر شناخته‌شده سینمایی جهان، اولین رمان بلند خود را به‌زودی منتشر می‌کند. نام این رمان جدید «بام چه مرگه؟» نام دارد و قرار است دوماه دیگر توسط انتشارات مستقل «سویفت پرس» منتشر شود. این رمان ۱۶۰ صفحه‌ای، داستان یک نویسنده یهودی میانسال به‌نام «بام» را روایت می‌کند که پس از شکست در عرصه ادبیات فلسفی، با ازدواجی درآستانه فروپاشی، اضطراب‌های شدید و شک به اطرافیان‌ش دست‌وپنجه نرم می‌کند. روایت، پرتله‌ای تلخ و طنزآلود از یک روشنفکر گرفتار پوچی زندگی است. آلن پیش‌تر چند کتاب داستان کوتاه نوشته‌بود. او همچنین شرح حالی به‌نام «درباره هیچ چیز» دارد که چندسال میان ناشران مختلف دست‌به‌دست شد و سه‌سال پیش به بازار آمد. او این بار سراغ داستانی بلند رفته که نخستین تجربه‌اش در این ژانر ادبی محسوب می‌شود. ناشر، کتاب وودی آلن را اثری «خنده دار، هوشمند، انسانی و گیرا» توصیف کرده است.



تراژدی مدرن در قلب تهران

تحلیل نمادشناسانه فیلم «پیرپسر» ساخته اکتای براهنی

بصری، همواره زنده، پویا و درگیرکننده باقی می‌ماند. فیلم براهنی عمیقاً بینامتنی است و ارجاعات قابل توجهی به ادبیات و اساطیر کلاسیک دارد. اشاراتی به برادران کارامازوف داستایفسکی که به صراحت در کتابخانه محل کار علی دیده می‌شود و نمادی از پرسش اخلاقی و فلسفی عمیق است که آیا می‌توان در دنیایی تحت سلطه بی‌عدالتی و خشونت، خوب ماند؟ این ارجاع بر کاوش فیلم در معضلات پیچیده اخلاقی و مبارزات روان‌شناختی شخصیت‌ها، به‌ویژه در مواجهه با یک شخصیت پدرسالار ستمگر، تأکید می‌کند. از طرفی فیلم روایتی است مدرن از سرکشی در شاهنامه، در حالی که در حماسه، پدر (رستم) ناخواسته پسر (سهراب) خود را می‌کشد، پیرپسر یک عمل آگاهانه‌تر را ارائه می‌کند، جایی که پسر با آگاهی کامل، سرنوشت از پیش نوشته شده خود را به انجام می‌رساند. از طرف دیگر می‌توان پیرپسر را یک تراژدی یونانی که به فارسی ترجمه شده (شما بخوانید ایرانی شده) دانست. این طبقه‌بندی بر تمرکز فیلم بر سرنوشت گریزناپذیر، فروپاشی یک خانواده به دلیل اقدامات گذشته و رنج عمیق ناشی از آن تأکید می‌کند و بازتاب‌دهنده عناصر ارسطویی تراژدی است.

نمادها

خانه

خانه فرسوده در این فیلم، نه صرفاً یک مکان، بلکه به عنوان یک نماد زنده از زوال هویتی و اجتماعی ساکنانش عمل می‌کند؛ خانه‌ای که به وضوح نمادی از کشور است. دیوارهای ترک‌خورده و آتاثیه کهنه آن، فضای سنگین اضطراب و بی‌خانمانی را بازتاب می‌دهند و در آن واحد اصالت را با خود به همراه دارد. این خانه نه‌فقط محلی برای وقوع تراژدی، بلکه خود تراژدی است و آسیب‌های تاریخی و مداوم را در خود جای می‌دهد. این ارتباط عمیق بین فضای فیزیکی و وضعیت روان‌شناختی، نشان می‌دهد که چگونه محیط می‌تواند به طور فعال به رنج و اسارت شخصیت‌ها دامن بزند و آن را منعکس کند. خانه فرسوده نشانه‌ای از ساختار اجتماعی رو به زوالی است که نشان می‌دهد آسیب‌های شخصی علی، رضا و رعنا به‌طور جدایی‌ناپذیری با مسائل سیستمی پدرسالاری و عدم وجود راه‌های فرار یا حل و فصل در جامعه گره خورده‌اند. این مکان پر از خاطرات تلخ است که باید ویران شود، اما هیچ‌کس جرأت تخریب دیوارهایی را که با زخم و توهین استوار مانده‌اند ندارد. خانه نه‌تنها نمادی از یک سکونتگاه فیزیکی، بلکه بار تاریخی را نیز به دوش می‌کشد و تاریخ سوخته و رویاهای

مشاهده است، تلفیقی از درک عمیق و ظریف هنر سینما و قدرت رسانه‌ای آن، تاریخ ادبیات، فرم و نقد هنری و اجتماعی است.

پیرپسر یک تراژدی مدرن است که در دل یک خانه رو به زوال در تهران روایت می‌شود و به عنوان تمثیلی قدرتمند از فروپاشی اجتماعی و آسیب‌های بین‌نسلی عمل می‌کند. فیلم با دقت، مکانیزم قدرت و سرکوب را در قالب یک خانواده کالبدشکافی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه زخم‌های عمیق، درگیری‌های حل نشده و بستری به نام انتقام، رنج را در طول نسل‌ها تداوم می‌بخشند. روایت فیلم با استفاده ظریف اما قدرتمند از نمادگرایی و ارجاعات بینامتنی، به‌ویژه به رمان «برادران کارامازوف» داستایفسکی و «شاهنامه» فردوسی (رستم و سهراب)، غنای بیشتری می‌یابد و یک درام خانوادگی را به کاوشی فلسفی در باب اخلاق، سرنوشت و وضعیت انسانی ارتقا می‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه سینما می‌تواند به زبانی جهانی برای بیان آسیب‌ها و انتقام تبدیل شود، به‌طوری که حتی با وجود تفاوت‌های فرهنگی، مضامین اصلی آن در سراسر جهان قابل درک و تأمل باشند. هر چند قابل درک است که اینگونه نگاه به ساختار فیلم بر خاسته از ناخودآگاه فیلمساز باشد.

ساختار روایی

پیرپسر داستان دو برادر میانسال، علی (حامد بهداد) و رضا (محمد ولی‌زادگان) را روایت می‌کند که به دلیل شرایط سخت اقتصادی، مجبور به زندگی با پدر مستبد و خشن خود، غلام (حسن پورشیرازی)، در ساختمانی فرسوده اما اصیل در تهران هستند. زندگی این خانواده با مشکلات شدید اقتصادی در میان فرزندان و تشدید درگیری‌های خانوادگی در هم تنیده شده و آنها را به آستانه خشونت و انتقام می‌کشاند. ورود زنی به نام رعنا (لیلا حاتمی) به زندگی آن‌ها، کورسوی امید و مقاومت را (از سوی یک زن) روشن می‌کند، اما سرنوشت، مسیری غیرمنتظره و تراژیکی را برایشان رقم می‌زند.

براهنی از فیلمنامه‌ای دقیق و هوشمندانه بهره می‌برد که دیالوگ‌های آن در ظاهر ساده به نظر می‌رسند، اما به تدریج لایه‌های عمیق‌تری را آشکار می‌کنند و زخم‌های کهنه و ریشه‌دار را نمایان می‌سازند. فیلم تنش و تعلیق را از طریق کارگردانی خود، با استفاده از لحظات سکوت و نشانه‌های ظریف برای انتقال آشفته‌گی درونی شخصیت‌ها، به خوبی ایجاد می‌کند. روایت اثر، اگر چه پیچیده و سنگین است، اما به دلیل هماهنگی عناصر مختلف کارگردانی از جمله دکوپاژ، بازیگردانی و ریتم



فرید ناصر

فیلمساز و پژوهشگر سینما

پیرپسر نه تنها فیلمی درباره معضلات اجتماعی است، بلکه فیلمی برای جامعه‌ای است که برای تحریک خودکاوی انتقادی طراحی شده است. براهنی با ارائه تصویری صریح و بی‌پرده از فروپاشی خانواده که ریشه در مسائل سیستماتیک دارد، قصد دارد مخاطب را به چالش بکشد تا با حقایق نامطلوب درباره ساختارهای فرهنگی و خانوادگی خود مواجه شود